

خوشید تابنده

شرح احوال و آثار

عالم ربانی و عارف صدیقی

حضرت آقای حاج سلطان حسین تابنده گنابادی (رضاعلیہم) (طابُ)

تألیف و تدوین

حضرت آقای حاج علی تابنده محبوب علیشاہ (طابُ)

تابنده، علی، ۱۳۲۴ - ۱۳۷۵.

خورشید تابنده: شرح احوال و آثار عالم ربانی... سلطان حسین تابنده گنابادی
رضاعلیشاه (طاب ثراه) / تألیف و تدوین علی تابنده، - [ویرایش ۲]. [تهران]:
حقیقت، ۱۳۷۷.

دوازده، ۹۹۴ ص: مصور (رنگی)، عکس (بخش رنگی).

ISBN 964-90907-4-6 ریال: ۲۵۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

چاپ سوم: ۱۳۸۳: ۷۰۰۰۰ ریال.

ISBN 964-7040-58-X

۱. تابنده، سلطان حسین، ۱۲۹۳ - ۱۳۷۱. ۲. عرفان، الف. عنوان.

۲۹۷/۸۹۲۴

BP۲۹۳ / ۱۴ / ۲ ت ۲

۱۳۷۷

م ۷۷-۱۲۴۱۸

کتابخانه ملی ایران



انتشارات حقیقت

خورشید تابنده

تألیف: شادروان حضرت آقای حاج علی تابنده (محبوب علیشاه)

ناشر: انتشارات حقیقت؛ تهران، خیابان گاندی، خیابان نهم، پلاک ۲۴

صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۳۳۵۷

تلفن: ۸۷۷۲۵۲۹؛ فاکس: ۸۷۹۱۶۵۲

تلفن مرکز بخش: ۵۶۳۳۱۵۱

مجموعه محبوب: شماره ۹

نوبت چاپ: اول ۱۳۷۳؛ دوم ۱۳۷۷؛ سوم ۱۳۸۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: شرکت چاپ خواجه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۰۴۰-۵۸-X

ISBN: 964 - 7040 - 58 - X

فهرست مطالب

مقدمه چاپ دوم یازده

مقدمه ۱

بخش اول

مقدمه درباره تصوف و عرفان ۷

اسفار اربعه سلوک ۹

سلسله علما و عرفا ۱۶

ظهور تصوف در عالم اسلام ۱۶

مبدأ تصوف ۱۹

وجه تسمیه کلمه صوفی ۲۱

سیر تصوف در عالم اسلام ۲۲

۲۴.....	اخبار مدح و ذمّ تصوّف
۲۵.....	نصّ صریح و اثر صحیح
۲۷.....	تصوّف در ایران
۲۸.....	عرفان و تصوّف
۳۲.....	علم تصوّف و اصطلاحات صوفیه
۳۶.....	تفاوت احوال اولیاء دین
۴۰.....	القاب طریقتی
۴۱.....	سلاسل مشهور صوفیه
۴۲.....	سلسله معروفیه
۴۴.....	سلسله عرفا پس از شیخ جنید بغدادی
۴۵.....	شاه نعمت الله ولی
۴۸.....	جناب سلطان علیشاه
۵۰.....	جناب نورعلیشاه گنابادی
۵۲.....	جناب صالح علیشاه
۵۷.....	شرح احوال
۵۹.....	تولّد
۶۰.....	مقدمات تحصیلات در بیدخت گناباد
۶۰.....	وادی طلب و توبه
۶۴.....	عزیمت به اصفهان برای تکمیل تحصیلات
۶۶.....	سفر به تهران و تحصیلات دانشگاهی
۶۷.....	بازگشت به بیدخت
۶۸.....	سفر به عتبات عالیات و ممالک عربی
۶۹.....	اخذ اجازه اقامه جماعت و دستگیری
۷۳.....	سفر حجّ و ممالک عربی
۷۴.....	مسافرت به ژنو

۷۸	رحلت حضرت آقای صالح علیشاه
۸۰	فرمان جانشینی حضرت آقای رضاعلیشاه
۸۴	ازدواج و فرزندان
۸۵	سکونت در تهران
۸۷	سال‌های آخر حیات
۸۹	اخبار به رحلت
۹۳	من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود
۱۰۳	احوال و اخلاق
۱۰۵	مقدمه
۱۰۵	مقام رضا
۱۰۹	مکارم اخلاق
۱۱۵	نکته دانی و ذوق ادبی
۱۱۷	علاقه به مشاهده طبیعت
۱۱۸	علاقه به طب سنتی
۱۱۹	خدمت به خلق الله
۱۲۱	آثار خیریه عام المنفعه
۱۲۳	مکاتبات
۱۲۶	زیارت مزار اولیاء دین
۱۲۸	انعقاد مجالس جشن و سوگواری دینی
۱۳۱	اصلاح مجالس وعظ و تذکر
۱۳۳	سخنرانی در منابر و مجالس فقری
۱۳۵	تعلیم و تربیت دینی
۱۳۹	عقاید و آراء
۱۴۱	دعوت به اتحاد
۱۴۳	اتحاد ادیان الهی

۱۴۶	اتحاد مسلمین
۱۴۹	شیعه و سنی
۱۵۱	تجلیل از علما
۱۵۴	عرفان و سیاست
۱۵۷	اعلامیه حقوق بشر
۱۶۰	اسلام و ایران
۱۶۰	عید نوروز
۱۶۲	تاریخ شاهنشاهی
۱۶۴	تعلیم زبان عربی و زبان خارجی
۱۶۷	آثار علمی و سخنرانی‌ها
۱۶۹	تفاسیر و شرح ادعیه
۱۸۱	تذکره‌های عرفانی
۱۸۷	آثار مذهبی و کلامی
۱۹۹	آثار فلسفی و علمی
۲۰۹	سفرنامه‌ها، تاریخ و جغرافیا
۲۱۹	جنگ‌ها
۲۲۳	مقالات و سخنرانی‌ها
۲۴۳	آثار خبریه
۲۸۳	اسفار
۲۸۵	مقدمه درباره سفر
۲۹۲	سفر به عتبات عالیات و ممالک عربی
۳۳۵	سفر حج و ممالک عربی
۳۸۴	سفر به افغانستان و پاکستان
۴۲۴	سفر به ژنو
۴۴۴	سفر به هند

۴۵۵	کلمات قصار و سروده‌ها
۴۷۹	مکاتیب
۴۸۱	مقدمه
۴۸۳	قسمت اول
۵۵۱	قسمت دوم
۷۶۷	خاتمه: چهل سحر

بخش دوم

۷۷۹	مشایخ و مآذونین
۷۸۴	اجازات شفاهی
۷۸۵	اجازات کتبی
۷۸۹	شرح حال مشایخ
۸۰۵	مقالات و خاطرات
۸۰۷	خَلَفِ صالح
۸۱۵	سیر آفاق و انفس
۸۳۳	خاطرات
۸۶۱	اشعار
۸۶۳	مراثی
۸۷۵	ماده تاریخ

ضمیمه

۸۹۳	شرح حال حضرت آقای محبوب علی‌شاه
۹۲۹	فهرست‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم و به ثقتی و رجائی

اکنون که مقارن دومین سالروز رحلت مولای عزیز حضرت آقای حاج علی تابنده محبوب علیشاه هستیم، چاپ دوم کتابی که تألیف ایشان است، آماده عرضه به دوستان می شود. این کتاب خاطره دو نفر از موالی و بزرگان عرفان را در ذهن خواننده زنده می کند: مؤلف کتاب حضرت آقای محبوب علیشاه و موضوع کتاب که شرح حال و آثار و بیان روش زندگی و دستورات حضرت آقای رضا علیشاه است. به همین جهت همه دوستان علاقه فراوانی به این کتاب داشتند، به طوری که نسخ آن بعد از چاپ اول در مدت کوتاهی نایاب شد و درخواست تجدید چاپش افزونی یافت. ولی متأسفانه موانعی موجود بود که اجازه تجدید چاپ آن را ندادند، اما اینکه که آن موانع رفع شده است به همت انتشارات حقیقت در چاپخانه خواجه تجدید چاپ می شود. و من از کارکنان این انتشارات و آقای خواجه تشکر کامل دارم و امیدوارم که روح آن

دو بزرگوار حامی آنان باشد.

گرچه این کتاب مستغنی از مقدمه جدید می باشد ولی چون چاپ دوم آن قرار بود در زمان حیات حضرت آقای محبوب علی شاه منتشر گردد و همان طور که گفتیم این کار در آن ایام میسر نشد و به تأخیر افتاد، اکنون که چاپ دوم آماده انتشار می شود متأسفانه قریب دو سال از رحلت ایشان گذشته است، لذا اقدام به نوشتن این مقدمه شد. امیدوارم تمام خوانندگان و اخوان و دوستان از مطالعه این کتاب لذت ببرند و آن را به عنوان میزان اعمال و افکار قرار دهند و در هر مورد آن را در حکم ترازویی حساب کنند، انشاء الله. از همه التماس دعا دارم.

بنده کمتربین، حاج دکتر نور علی تابنده مجذوب علی شاه

به تاریخ نیمه شعبان ۱۴۱۹ ولادت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه برابر با ۱۴ آذر ۱۳۷۷

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ، وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِهِ الْأَمِينِ وَآلِهِ الْأَئِمَّةِ الْقِيَامِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

بشنو این نی چون حکایت می کند از جدائی ها شکایت می کند
بیش از هیجده ماه از فراق جانسوز پدر، پیر و مرادم که برایم در زندگی، همه چیز
و همه کس بود می گذرد. مرشدی روشن ضمیر، آگاه، واقف به حقایق عرفانی و مسائل
علمی و عالم به زمانه خود. حال این مدت چگونه گذشت و دقائق تبدیل به ساعات و
ساعات مبدل به روزها و روزها تبدیل به سال گشت، کلامی است خارج از این گفتار.
شرح بار مسؤولیت سنگینی که آن بزرگمرد عالم عرفان بر دوش این فقیر نهاد و
اطاعت از آن را بر این بی مقدار لازم و حتی واجب فرمود، بماند؛ ولی این همه
سختی ها و گرفتاری ها مرا از یک وظیفه خطیر - که انصافاً انجام آن با این فکر مشوش
و فراق محبوب بسیار مشکل است - باز نداشت و آن معرفتی قطره ای از دریای

بی‌کران شخصیت بی‌مانند حضرت آقای رضاعلی‌شاه (اعلی الله مقامه الشریف) است. افسوس و صد افسوس که یک چنین وجود عزیز و گرانبهایی در آغوش تیره خاک در کنار جد و پدر بزرگوار خود آرمیده؛ سه دریای خروشان و بی‌آرام در کنار یکدیگر خفته‌اند و امواج خروشان آنان نه تنها در حال حاضر بلکه در همه حال بر ساحل عرفان نهیب می‌زند و با آثار علمی و عرفانی و عمرانی، وجود خود را اعلام نموده و فریاد برمی‌آورند. چگونه می‌توان قبول کرد که یک چنین مردان بزرگی دارفانی را وداع گفته‌اند، مگر نه اینکه آنان به مصداق موتوا قبل أن تموتوا به موت ارادی قالب خاکی و بدن جسمانی را ترک و به محبوب واقعی پیوسته‌اند؟ خامه تندى کرد و قلم از حد تجاوز نمود، برای جلوگیری از اطالة کلام ذکرى از آن محبوب عزیز می‌کنم.

از زمانی که خود را شناختم پدرم را نیز حاضر و ناظر بر احوال خویشتم دیده‌ام. ایشان مردی بود مبادی به آداب شریعت و طریقت و سنن و نوامیس اجتماعی؛ گنجینه‌ای از علوم مختلفه را در دل نهفته داشت که هر چندگاه یک‌بار افاضاتی از آن را به اقتضای زمان و مکان به رشته تحریر درآورده یا تحت عنوان سخنرانی بیان می‌فرمود. حال چنین شخصیتی را چگونه همچون منی با این بضاعت مزجات می‌خواهد معرفی کند؟ شاید بهترین معرفی از جانب من، نقل حکایت روستایی‌ای باشد که در جمعی نشسته بود و گلی محمدی را دست به دست به گردش درآوردند و هر یک شرح مبسوطی در زیبایی آن بیان می‌داشت، ولی وقتی گلی به دست جوان روستایی رسید آن را بوئید و گفت: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد. من نیز بی‌شبهه می‌توانم بگویم که گویی خداوند نعمت خلقت خود را در وجود این بزرگوار به اتمام رساند. اما افسوس و صد افسوس که بی‌وفایی روزگار و عمر کوتاه و مرگ زودرس باعث شد که همگان فرصت و توان شناخت ایشان را پیدا نکنند. ولی من با اعتراف به ضعف خود، در این ایام فراق با کثرت مشاغل و تفرقه فکر با تمام وجود سعی نمودم که شخصیتی را که از طفولیت دیده و شناختم از ظن خود معرفی کنم. از این رو اکثریت قریب به اتفاق آنچه در این کتاب نوشته شده است از اقوال و آثار صاحب آن بهره

گرفته‌ام و تلاشم این بوده که در حد وسع خود همچون نئی باشم که آن نائی عزیز در وجودم می‌دمد. و اگر گاهی هم مطالبی را که به ذهن قاصر خود رسیده بیان کرده‌ام، آن را در حکم شرح و تفسیر کلام پدر بزرگوارم می‌دانم. با این همه گاهی در این فکر غوطه‌ور می‌شوم که شاید بهتر آن می‌بود که برگزیده‌ای از آثاری که خود ایشان نوشته‌اند، جمع آوری و مجموعه‌ای دلنشین و دلپذیر فراهم می‌شد؛ ولی دوستان اصرار داشتند که از قلم من پدرم را بشناسند، در حالی که این تقاضا برای خود من عجیب و شگفت انگیز می‌نماید. آیا دانی می‌تواند عالی را وصف کند؟ مگر نباید در وصف و تعریف، معرّف اوضح و اجلی از معرّف باشد؟ آیا از این خورشید، تابنده‌تر و باجلوه‌تر هم وجود دارد؟ از جهتی دیگر هم شاید اصولاً وصف آن عزیز به خامه این ناچیز درست نباشد، چون عاشق بجز خوبی معشوق چیز دیگری نمی‌بیند.

بوالهوسی طنز به لیلی بگفت
 رو که چنین قابل و موزون نئی
 لیلی از این حرف بخندید و گفت
 با تو چه گویم که تو مجنون نئی
 ولی لیلی من هزاران مجنون داشت که هنوز پس از گذشت یک سال و اندی
 هرگاه نام عزیزش بر زبان می‌آید آه از سینه‌ها و اشک از دیده‌ها سرازیر می‌شود.
 خواستم شمه‌ای از زندگانی آن بزرگوار را در این مقدمه بیاورم، ولی دیدم کاری
 است ناقص چون اصل کتاب نتوانسته آنچه را که می‌خواهم بیان کند، حال این مقدمه
 چگونه از عهده برمی‌آید. پس بهتر است سخن را کوتاه نموده و ضمن شرح
 تقسیم‌بندی کتاب و فصول آن از تمامی برادران محترمی که به نحوی از انحاء در
 تنظیم این کتاب زحماتی را متحمل شده‌اند، تشکر نمایم. خصوصاً از کارکنان
 انتشارات حقیقت که انصافاً بیش از یک سال تمام امکانات خود را مصروف چاپ
 این کتاب نموده و هیچ کتاب دیگری را برای چاپ نپذیرفتند تا خودشان تابنده به نحو
 احسن انتشار یابد.

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم می‌گردد: بخش اول تماماً مطالبی است که
 فقیر درباره آن حضرت تألیف و تدوین کرده‌ام، البته بجز قسمت «آثار خیریه» که برادر

عزیزم آقای حاج محمد تابنده تهیه نموده‌اند و در همین جا از ایشان تشکر می‌کنم. در فصل اول این بخش به تناسب و فراخور کتاب، مقدمه‌ای اجمالی بر تصوّف و عرفان نوشته و سعی کرده‌ام در صفحاتی اندک، تعالیم و تاریخچه مختصری از آن را بیان دارم. این فصل به نظر من از دو جهت لازم می‌نمود: اول اینکه درباره طریقه تصوّف و عرفان که عین تشیع و ولایت مرتضوی است هنوز برای بعضی‌ها ابهامات و شبهاتی وجود دارد و مطالب مختلف ضد و نقیضی درباره آن بیان شده که باید رفع شبهه می‌شد و این حقایق تفهیم می‌گردید. ثانیاً شأن عرفانی پدر بزرگوارم تا وقتی که اصول و تعالیم تصوّف معلوم ما نشده، مشخص نمی‌گردد. فصل آخر این بخش نیز مشتمل بر منتخبی از مکاتیب ارزشمند آن حضرت است.

بخش دوم کتاب شامل شرح مختصر زندگی مشایخ و مأذونین ایشان و مجموعه خاطرات و مقالات و اشعاری است که برادران ایمانی و دوستان فرستاده‌اند. در این قسمت دو مقاله مشروح درباره آن حضرت وجود دارد که اولی نوشته جناب آقای سلطانعلی سلطانی (زید توفیقه) است. ایشان در چند سال اخیر تقریباً در تمامی سفرهای حضرت آقای رضا علیشاه (قدّس سرّه) همراه و همسفر بوده و خاطراتی بس شیرین و دلپذیر دارند که هر گاه سخن از آنها به میان می‌آورند اول اشک از چشمان خودشان و سپس از شنونده جاری می‌شود. مقاله دوم را عموی گرامی و دانشمند جناب آقای دکتر نورعلی تابنده (زید عزّه) تألیف فرموده‌اند که همواره مورد لطف و محبت معظم‌له بوده و مقاله ایشان حائز اهمیت خاصی است. و من از هر دوی این بزرگواران تشکر می‌کنم که پس از رحلت پدر عزیزم مشمول الطافشان بوده‌ام. مقالات و اشعار بسیار دیگری نیز از جانب برادران ایمانی و دوستان فرستاده شده که متأسفانه به سبب حجم زیادی که کتاب پیدا می‌کرد، درج همه آنها میسر نشد. من از همه این دوستان که یاد پدر بزرگوارم را عزیز داشته‌اند و همچنین از برادر محترم ایمانی آقای حاج بصیرالله نعمت‌اللهی (وقفه الله) که به تقاضای خود مخارج چاپ کتاب را بر عهده گرفتند، سپاسگزار هستم.

در خاتمه متذکر می‌شوم که ممکن است گاه بعضی مطالب در این کتاب تکرار شود و شاید ملال انگیز بنماید ولی این امر اجتناب ناپذیر بود. زیرا اولاً این قبیل کتب که در شرح احوال بزرگان است، اصولاً به جهت اینکه از ابعاد گوناگون به سوانح عمر شخص نگریسته می‌شود، هر واقعه‌ای را می‌توان به طرق مختلف در مواضع مختلف شرح و تفسیر کرد و طبعاً آن واقعه چندین بار ذکر می‌شود. ثانیاً سال گذشته که مصروف تألیف و تدوین کتاب شد، فقیر در سخت‌ترین ایام زندگی و مرارت انگیزترین احوال روحی خود بوده‌ام و هر بار که اندک مجالی می‌یافتم مصروف این کتاب می‌کردم. لذا فصول مختلف آن در حالاتی نوشته شده که گاه مطالب فصول دیگر را یا در اختیار نداشته و یا اصولاً به خاطر نداشتم. به هر تقدیر از همه خوانندگان عزیز انتظار دارم که هر گونه اشتباه و خطایی را که در کتاب مشاهده می‌نمایند، اگر در قید حیات بودم تذکر دهند تا چنانچه لازم بود در چاپ‌های بعدی تصحیح گردد. و اگر پس از مرگم به این گونه مطالب برخورد نمودند، با فاتحه‌ای روحم را شاد نموده به بزرگواری خود کمبود موجود را ببخشند. والسلام علی من اتبع الهدی.

فقیر علی تابنده «محبوب‌علیشاه» غفرالله له

به تاریخ ۲۱ رمضان المبارک روز شهادت امیرمؤمنان علی (ع) سال ۱۴۱۴

برابر ۱۳ اسفند سال ۱۳۷۲